

# Moral Dimensions of Moral Damage in Victims of Human Rights Violations and Methods of Compensation in International Documents

R. Ghorbani <sup>1</sup>, E. Mousavi Ph.D. <sup>2\*</sup>, J. Mirzaei Ph.D. <sup>2</sup>, F. Ahmadi Ph.D. <sup>2</sup>

1. Ph.D. Student of Private Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

2. Dept. of Private Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

## Abstract

**Background:** Losses and losses that occur from defamation of dignity, reputation or damage to the social or personal reputation of a person and lead to physical, mental and emotional injuries are known as spiritual damage. Compensation for the moral damages of the victims of obvious violations of human rights is one of the well-known fundamental moral principles of human rights. In this research, the aim is to investigate the moral dimensions of moral damage in the victims of human rights violations and the methods of compensation in international documents.

**Conclusion:** Since the methods of compensation for moral damage in international documents are more diverse compared to domestic laws, studying these documents will facilitate the identification of commonalities, differences and points of silence in domestic laws. These studies will help to interpret, modify, adjust the differences and fill legal gaps regarding non-material methods of compensation. In order for the victims to make their voice heard by the compensation trustees, there are various mechanisms available. In fact, all the documents and organizational structures of the United Nations, including binding and non-binding documents, as well as its specialized committees, are on the right to compensation for the victims of violations. Human rights have been emphasized and only the type and amount of compensation has been proposed depending on the nature of the damages and the needs of the victims.

**Keywords:** *Ethics, Spiritual damage, Human rights, Civil liability, International documents*

**\*Corresponding Author:** E. Mousavi, Dept. of Private Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. Email: [ebraheemmousavi@gmail.com](mailto:ebraheemmousavi@gmail.com)

**How to cite:** R. Ghorbani, E. Mousavi, J. Mirzaei, F. Ahmadi. Moral Dimensions of Moral Damage in Victims of Human Rights Violations and Methods of Compensation in International Documents. *Ethics in Science and Technology*. 2024,19(2): 50-56.



Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

# ابعاد اخلاقی آسیب معنوی در زیاندیدگان نقض حقوق بشر و شیوه های جبران آن در اسناد بین المللی

ربیع الله قربانی<sup>۱</sup>، دکتر سید ابراهیم موسوی<sup>۲\*</sup>، دکتر جمشید میرزایی<sup>۲</sup>، دکتر فیروز احمدی<sup>۲</sup>  
 ۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.  
 ۲. گروه حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.  
 (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷)

## چکیده

**زمینه:** ضایعه و زبانی که از هتک حیثیت، آبرو و یا لطمه به اعتبار اجتماعی یا فردی شخص حادث می شود و منجر به تالمات جسمانی، روحی و صدمه های عاطفی می شود به عنوان آسیب معنوی شناخته می شود. جبران خسارت معنوی زیاندیدگان نقض آشکار حقوق بشر، یکی از اصول اخلاقی بنیادین شناخته شده حقوق بشر است. در این پژوهش هدف بررسی ابعاد اخلاقی آسیب معنوی در زیاندیدگان نقض حقوق بشر و شیوه های جبران آن در اسناد بین المللی است.

**نتیجه گیری:** از آنجایی که شیوه های جبران خسارت معنوی در اسناد بین المللی درمقایسه با حقوق داخلی، دارای تنوع بیشتری هستند، مطالعه این اسناد شناسایی وجوه اشتراک، افتراق و نقاط سکوت در قوانین داخلی را تسهیل خواهد نمود. این مطالعات به تفسیر، اصلاح، تعدیل تفاوتها و پرکردن خلاءهای حقوقی در خصوص شیوه های غیرمادی جبران کمک خواهد کرد. زیان دیدگان برای اینکه صدای خود را به گوش متولیان جبران خسارت برسانند سازو کارهای مختلفی را در دسترس دارند درواقع تمام اسناد و ساختارهای سازمانی سازمان ملل متحد، اعم از اسناد الزام آور و غیرالزام آور و همچنین کمیته های تخصصی آن، بر حق جبران خسارت قربانیان نقض های حقوق بشری تأکید کرده اند و تنها نوع و میزان جبران خسارت بسته به ماهیت خسارت ایجاد شده و نیازهای قربانیان، متفاوت مطرح شده است.

**کلیدواژگان:** اخلاق، آسیب معنوی، حقوق بشر، مسئولیت مدنی، اسناد بین المللی

## سرآغاز

جبران خسارت نقض حقوق بشر، از وظایف اخلاقی حقوق بین الملل برای حمایت از افراد در برابر آسیب است. سه مساله اساسی در بحث آسیب معنوی عبارت است از تعریف آسیب، شیوه های ارزیابی و چگونگی جبران آن. از آنجایی که اسناد بین المللی درمقایسه با حقوق داخلی، توجه بیشتری به متنوع سازی شیوه های جبران خسارت معنوی نشان داده اند، مطالعه این اسناد کمک می کند با شناسایی وجوه اشتراک، افتراق و نقاط سکوت، نسبت به تفسیر، اصلاح، تعدیل تفاوتها و پرکردن خلاءهای حقوقی در خصوص شیوه های غیرمادی جبران اقدام شود. این روش البته اجازه می دهد تا شناخت و درک بهتری از حقوق بشر کسب گردد(۱). بدین ترتیب مطالعه حاضر پژوهشگران ابتدا به بررسی ابعاد اخلاقی آسیب معنوی در زیاندیدگان نقض حقوق بشر پرداخته اند و در نهایت شیوه های جبران آن در اسناد بین المللی را مورد کنکاش قرار داده اند.

## بحث

### مفهوم آسیب معنوی در حقوق بین المللی

معمولاً هنگامیکه بحث آسیب در حقوق بین الملل مطرح است، بیشتر توجهات به آسیب های مادی جلب میشود اما این موضوع به معنای عدم امکان طرح خسارت معنوی نیست. بنابراین، مفهوم خسارت یا آسیب در حقوق بین الملل، هم شامل خسارت مادی و هم خسارت معنوی میشود. مفهوم «**آسیب معنوی**» یا به عبارتی «خسارت غیرمادی»، مفهومی کلی، مبهم و غیرقطعی است و برای نخستین بار گریسوس در قرن ۱۷ بر لزوم توجه به این مساله تأکید کرد(۲). اصطلاح «**آسیب معنوی**» مخلوق نظامهای حقوقی داخلی است و ابزاری نیست که به سادگی با جعبه ابزار حقوق بین الملل عام سازگار شود. تعریف واحد و پذیرفته شده ای از مفهوم خسارت معنوی وجود ندارد، این مفهوم، معمولاً در مورد آسیب هایی به کار می رود که در اثر آن،

خسارتی به شخص یا حقوق او وارد میشود و این خسارات، غیر ملموس بوده یا به عبارتی محاسبه کمیت و میزان آن دشوار است (۳). برای اشاره به جبران خسارت در متن های حقوق بین الملل، از واژگان متعددی استفاده شد است که گاه به جای یکدیگر نیز به کار میروند و عموماً شامل جبران خسارت، اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت، بازسازی و کسب رضایت هستند (۴-۶). از این رو برخی متخصصان بیان کرده اند «ترمینولوژی جبران خسارت در زمینه مسئولیت بین المللی، چه در متون چه در آرای قضایی و چه در رفتارهای دیپلماتیک تا اتحاد و یکپارچگی فاصله بسیار زیادی دارد» (۷). در این میان در اسناد بین المللی به صورت کلی سه واژه *Redress*، *Remedy*، *Reparation* برای اشاره مستقیم به «جبران خسارت» مورد استفاده قرار گرفته است و در این اسناد تمایز دقیقی میان این واژگان مشاهده نمیشود (۸). به نظر میرسد *Remedy* اشاره به مفهوم شکلی و ابزارها و روشهای دستیابی به جبران خسارت، *Reparation* در مفهوم ماهوی آن به معنی جبران خسارت به دست آمده مانند غرامت دریافت شده و *Redress* در معنای عمل انجام جبران خسارت تعریف شده است (۹).

مبحث جبران خسارت معنوی در حقوق بین الملل به طور خاص پس از جنگ جهانی دوم جایگاه ویژه خود را نشان داد. در محاکم پس جنگ جهانی دوم، این اصطلاح برای اشاره به ترمیم رنج هایی که رژیم نازی ایجاد کرده بود، استفاده می شد. قدرت های متحد قوانینی صادر کردند که فقط به مسترد کردن اموال مالکین که نازی ها مصادره کرده بودند اشاره می کرد (۱۰).

امروزه موضوع جبران خسارت تقریباً در همه نظام های حقوقی داخلی مورد شناسایی قرار گرفته است. در حقوق ایران، التزام به جبران خسارت در چهارچوب مسئولیت مدنی<sup>۶</sup> مطرح است. به عبارت دیگر «در هر مورد که شخصی ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، میگویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد» (۱۱). «صدور حکم به جبران خسارت» نیز یکی از ضمانت اجرای مؤثر نقض حقوق بشر<sup>۷</sup> است این جبران خسارت در چهار چوب مسئولیت مدنی صورت می گیرد که برای جبران ضرر و رفع نقض، راه حل ارائه می دهد. زیرا برخلاف نظریاتی که در گذشته حقوق بشر را محدود به رابطه میان دولت و افراد می دانستند و اعمال آن در روابط خصوصی را جایز نمی شمردند، امروزه این نظریه طرفداران چندانی ندارد و لزوم رعایت حقوق بشر در روابط خصوصی افراد، جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. براین اساس، حقوق بشر دارای اثر افقی است و در رابطه میان اشخاص خصوصی نیز اجرا می شود (۱۲ و ۱۳).

### خاستگاه و سیر تحولات اسناد بین الملل در خصوص جبران آسیب معنوی

به طور سنتی دریافت خسارت و جبران زیان زیان دیده منوط به مداخله دولت بود. به لحاظ تاریخی دکترین مسئولیت دولت، تنها بین دولت ها قابل اجرا بود و تقاضاهای فردی اشخاص حقیقی مسموع نبود. در واقع از زمان معاهده صلح و سفالی سال ۱۶۴۸ تا پایان جنگ جهانی دوم،

فقط دولت ها به عنوان مهمترین موضوعات سوژه حقوق بین الملل محسوب می شدند. لذا، اشخاص حقیقی که متحمل زیان ناشی از نقض مقررات توسط دولتی غیر از دولت متبوع خود شده بودند، می بایست به دولت خود مراجعه کنند تا امیدوار باشند از مجاری دیپلماتیک یا قضایی به خواسته خود دست یابند (۱۴). اما امروزه زیان دیدگان برای اینکه صدای خود را به گوش متولیان جبران خسارت برسانند سازو کارهای مختلفی را در دسترس دارند. از جمله مهمترین این سازوکارها در سطح منطقه ای، دادگاه بین آمریکایی حقوق بشر، دادگاه اروپایی حقوق بشر؛ در سطح سازمان ملل متحد، کمیته حقوق بشر و کمیته ضد شکنجه قابل ذکر است که این نهادها نقش اساسی در حمایت از حقوق زیان دیده ایفاء می کنند.

در واقع تمام اسناد و ساختارهای سازمانی سازمان ملل متحد، اعم از اسناد الزام آور و غیرالزام آور و همچنین کمیته های تخصصی آن، بر حق جبران خسارت قربانیان نقض های حقوق بشری تأکید کرده اند و تنها نوع و میزان جبران خسارت بسته به ماهیت خسارت ایجاد شده و نیازهای قربانیان، متفاوت مطرح شده است (۱۵). برای اولین بار ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه حق بر جبران خسارت بیان داشت: «در برابر اعمالی که حقوق بنیادی فرد را نقض کند و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کسی حق رجوع مؤثر به محاکم صالح ملی دارد». همچنین بند (۵) ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۴ کنوانسیون ضد شکنجه؛ ماده ۶ کنوانسیون بین المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۶؛ سند جامع مکانیزم جبران خسارت در نظام بین المللی با تصویب قطعنامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به نقطه عطف خود رسید که استانداردهای مرتبط با حق جبران خسارت در نقض حقوق بشر را برای اولین بار با تدوین جامع حقوق زیاندیدگان نقض حقوق بشر برای جبران خسارت مدون کرد؛ اگرچه قطعنامه تعهدات حقوقی جدیدی را مطرح نمیکند، ولی با این حال به شناسایی مکانیزم ها، شرایط، رویه ها و روشهای پیاده سازی تعهدات موجود حقوق بین الملل بشر و بشردوستانه می پردازد.

همچنین مقررات اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مصوب ۲۰۰۲، برای اولین بار در تاریخ عدالت کیفری بین المللی، یک ساز و کار ابتکاری پیش بینی نموده که به زیان دیده گان اجازه می دهد زیان های وارده را در چارچوب آیین دادرسی کیفری بین الملل تقاضا کنند. شعبه مقدماتی دیوان در اولین تصمیم خود راجع به صدور قرار جلب خاطرنشان ساخت، موفقیت دیوان، تا حدودی، وابسته به موفقیت سیستم جبران خسارت آن است. دیوان داوری در پرونده لوزیتانیا<sup>۸</sup> تأکید کرد که آسیب روحی، به همان میزان آسیب جسمی واقعی است و باید جبران شود (۱۶). همچنین، دیوان بین المللی دادگستری نیز در یک پرونده بازداشت غیرقانونی تأکید کرد که آسیبهای غیرمادی، پیامدهای ناگزیر اعمال خلاف هستند که باید جبران شوند (۱۷). همچنین، در مورد پرونده های مرتبط با ناپدیدشدن اجباری<sup>۹</sup>، رویه قضایی بین



المللی نه تنها فرد قربانی را شایسته دریافت جبران خسارت میداند، بلکه برای نزدیکان وی نیز که از این حادثه دچار آسیب روحی و روانی شده‌اند، جبران خسارت قائل است.

### شیوه‌های جبران آسیب معنوی در اسناد بین‌المللی

ماده ۷۵ (۲) اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یک فهرست از اشکال جبران ارائه کرده است که البته حصری نیست و هیچ کدام بر دیگری تقدم ندارد. این فهرست عبارت است از اعاده به وضع سابق، پرداخت غرامت و توانمندسازی<sup>۱۰</sup>. اساسنامه البته این اصطلاحات را تعریف کرده است. ضمن اینکه ماده ۷۵ (۱) این سند، اختیار تعریف را به قضات دیوان واگذار کرده است. بی تردید، شعب دیوان در این خصوص می‌توانند از دیگر مقررات بین‌المللی و نیز رویه قضایی دادگاه‌های منطقه‌ای الهام گیرند.

بند (د) پاراگراف ۲۰ اعلامیه اصول بنیادین و راهنمای حق بر جبران مصوب ۲۰۰۵ که به صراحت زیانهای اخلاقی و معنوی را از جمله زیانهایی میداند که باید مناسب و متناسب با شدت نقص و شرایط آن از طریق پرداخت غرامت جبران شود. همچنین، این اعلامیه در پاراگرافهای بعدی به بیان روشهایی که مختص آسیب‌های معنوی<sup>۱۱</sup> است، مانند جلب رضایت<sup>۱۲</sup>، عذرخواهی<sup>۱۳</sup> و بزرگداشت و یادآوری و ادای احترام به قربانیان<sup>۱۴</sup> پرداخته است.

کمیته ضد شکنجه نیز بیان می‌دارد جبران خسارت باید تمام آسیبهایی وارده به بزه دیده را شامل شود، از جمله اعاده به وضع سابق، جبران خسارت (مالی)، توانبخشی بزه دیدگان و اقدامات برای تضمین عدم تکرار جرم.

به طور کلی با توجه به اسناد و رویه‌ی بین‌المللی موجود روش‌های جبران خسارت معنوی در حقوق بین‌الملل را میتوان به موارد زیر تقسیم نمود.

**اعاده به وضع سابق:** منظور از این شکل از جبران زیان، برگرداندن وضعیت زیان دیده به قبل از نقض حقوق انسانی و بشری است. در حقوق بین‌الملل این نوع از جبران بر سایر اشکال آن مقدم است. بازگرداندن به حالت قبل می‌تواند بر حسب شرایط، مواردی همچون بهره‌مندی از حقوق انسانی، هویت و زندگی خانوادگی و شهروندی، بازگشت به محل اقامت، بازگشت به کار و مسترد کردن اموال را دربرمی‌گیرد. این شکل از جبران اگرچه در حقوق بین‌الملل ترجیح داده می‌شود، لیکن در مواردی که با نقض انبوه حقوق بنیادین مواجه می‌باشیم کمتر قابل اجراست. علاوه بر این، گاهی این نوع از جبران اساساً مورد تقاضای زیان‌دیده نمی‌باشد. مانند بازگشت به محل اقامت، یعنی جایی که جرم علیه او ارتکاب یافته است.

**پرداخت غرامت:** به صورت سنتی در حقوق کیفری<sup>۱۵</sup>، بحث جبران بر روی پرداخت غرامت مالی در مقابل ضررها تمرکز دارد. با اینحال، امروزه تا حدی به دلیل تحقیقات مربوط به بزه‌دیدگان، جبران دارای معنایی بیشتر از غرامت شده و دربردارنده گونه‌های نمادین و مبتنی بر

آینده جبران خسارت هم می‌گردد. اینها گونه‌های جبران خسارت توانبخشی هم بوده که به معنای فراهم کردن خدمات پزشکی، روانی، حقوقی و اجتماعی برای بزه‌دیدگان با هدف التیام بخشیدن به آنها و تضمین عدم تکرار جرم یا اتخاذ تدابیر پیشگیری از جرم با هدف پیشگیری از وقوع مجدد چنین جرایمی می‌باشد<sup>(۱۸)</sup>. پرداخت غرامت که در حقوق بین‌الملل اغلب نیز مورد تقاضاست صراحتاً در اساسنامه دیوان مورد اشاره قرار گرفته است. پرداخت غرامت البته زمانی انتخاب می‌شود که جبران از طریق بازگشت به حالت سابق موضوعاً منتفی باشد یا با شرایط موجود منطبق نباشد و در این صورت به طور تکمیلی لحاظ می‌شود. حتی گاهی اوقات بازگشت به حالت سابق امکانپذیر است ولی برای جبران کامل خسارت کافی نیست؛ بدین ترتیب، پرداخت غرامت نقش جبران کمبودهای احتمالی را ایفاء می‌کند به گونه‌ای که نوعی جبران کامل زیان‌های متحمل را تضمین کند. یکی از نوآوری‌های اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزه‌دیدگان سوء استفاده از قدرت، جدا کردن دو مفهوم «جبران خسارت» و «غرامت» است که هر دو در زیر مفهومی بنیادی به نام «حق جبران» می‌گنجد. پرداخت غرامت، عبارت است از تکلیف بزه‌کار یا اشخاص ثالث به برگرداندن مال یا پرداخت پول برای آسیب یا زیان وارد شده به بزه‌دیده، و نیز پرداخت هزینه‌هایی که بزه‌دیده به دنبال بزه دیدگی متحمل شده است، و افزون بر این‌ها، خدمت‌رسانی و ترمیم حق‌های بزه‌دیده را نیز در برمی‌گیرد. ولی، پرداخت غرامت در جایی است که بزه‌کار یا شخص مسئول جبران خسارت به دلایلی چون فرار، مرگ و ناتوانی و مانند این در دسترس نبوده و در نتیجه، امکان جبران خسارت فراهم نباشد. بدین سان، جبران خسارت و پرداخت غرامت به منزله تأیید و شناسایی خسارت‌های بزه‌دیده از گذر دادگری جنایی، به ویژه در چارچوب الگوی عدالت ترمیمی، است.

**عذرخواهی:** در کنار جبران خسارت، معذرت‌خواهی نیز یک روش دیگر است برای اینکه بزه‌کاران می‌توانند احساس مسئولیت خود را در مقابل رفتارشان نشان دهند. برای بسیاری از بزه‌دیدگان، پذیرش صادقانه مسئولیت و بیان ندامت به اذعان بزه‌دیدگان میتواند بخش بسیار مهمی در پروسه درمانی آن‌ها باشد<sup>(۱۹)</sup>. با وجود این چنین عذرخواهی که اجباری باشد، سرد و غیرشخصی و برای بزه‌دیدگان توهین‌آمیز تلقی می‌شود. بر طبق نظر بیشتر بزه‌دیدگان، بزه‌کار در ابتدا می‌بایست عزم و قصد پشیمانی و معذرت‌خواهی را داشته باشند، تا برای عذرخواهی از بزه‌دیدگانی که مایل به دریافت عذرخواهی از جانب آنها هستند، اقدام کنند. معذرت‌خواهی فقط به صورت قولی نیست بلکه پولی هم که پرداخت می‌شود به عنوان غرامت، جنبه عملی آن است. این سیستم در آمریکا فعال است، که هر گاه صدمه‌ای ایجاد شود پولی به عنوان جبران آن پرداخت شود، و اینکه چگونه این غرامت پرداخت گردد که به عزت و شان بازماندگان و بزه‌دیدگان برنخورد نیز یک مسئله عمده نحوه جبران خسارت است<sup>(۲۰)</sup>.

**مجلس یادبود:** هم برای بزه‌دیدگان و هم برای جامعه برگزاری مجلس یادبود لازم است. تشریفات اهمیت زیادی دارند؛ زیرا هیچ جامعه

-تاسیس یک کمیته (با حضور نمایندگان سازمان ها مردم نهاد) جهت ارزیابی وضعیت جسمانی و روانی زیاندیدگان و پیشنهاد تدابیر متناسب با وضعیت آنان.

-اعطای بورس به زیان دیده تا اینکه وی بتواند تحصیلات خود را به پایان ببرد و یا دوره آموزش حرفه ای خود را طی کند.

-اعطای بورس به فرزندان زیاندیدگان تا پایان دوره تحصیلات متوسطه یا بالاتر.

-فراهم کردن زمینه برای برادران، خواهران و همسر زیان دیده جهت استفاده از برنامه های اختصاصی آموزشی - تحصیلی و پایان بردن تحصیلات در حد انطباق با تعهدات حرفه ای .

-تعهد شدن دولت به تضمین ارائه خدمات پزشکی و روانپزشکی به زیان دیده و خانواده وی از طریق ارزیابی نیازهای هر کدام و این نوع خدمات به ویژه برای زیاندیدگان و قربانیان خشونت های جنسی دارای اهمیت است. این شکل از جبران به قربانیان و زیاندیدگان اجازه می دهد به نوعی بازسازی جسمانی و روانی و جذب مجدد در جامعه دست یابند.

**جلب رضایت:** یکی دیگر از شیوه های جبران خسارت، جلب رضایت و تعهد به عدم تکرار است که در حقوق بین الملل شناخته شده است. دلیل عدم ذکر این نوع در اساسنامه دیوان نیز این است که معمولاً این دو علیه دولت ها اتخاذ و اعمال می شود. به ویژه ارائه تضمین بر عدم تکرار که اغلب در پی جبران زبانی است که منشاء آن مشکلات سیستماتیک برخی از نهادها مانند اداره پلیس، سازمان زندان ها و... است. تدابیری که اتخاذ و اعمال آن خارج از صلاحیت دیوان می باشد. علی رغم این، برخی از تدابیر جلب رضایت در چارچوب نظام جبران دیوان کیفری بین الملل قابل انجام است. از جمله آنها عذرخواهی علنی یا عمومی، مراسم بزرگداشت، یادبود و نکوداشت زیاندیدگان است.

### نتیجه گیری

مفهوم «آسیب معنوی»، مبهم و غیرقطعی است و مضمونی کلی و گسترده دارد. با این حال این مفهوم در حقوق بین الملل، جدید نیست و مدتها است که از سوی دیوانهای بینالمللی شناخته شده است. جبران خسارت نقض حقوق بشر در عرصه بین المللی که به صورت جامع در اعلامیه اصول منعکس شده است، ریشه در ساختارهای حقوقی داخلی دارد.

آنچه در مجموع از این مقاله مورد توجه است، این است که در روشهای جبران خسارت در عرصه بین المللی تنوع بیشتری نسبت به حقوق داخلی وجود دارد. اولین و مهمترین روش جبران خسارت اعم از مادی یا معنوی، اعاده وضعیت به حال سابق به طور کامل است. اعمال این روش در جبران خسارتها، مخصوصاً در خسارتهای معنوی از محدودیت جدی برخوردار است و اصولاً در بسیاری از انواع خسارتهای معنوی اعاده وضعیت سابق

ای هرچقدر هم پیشرفته و منسجم، مذهبی یا فرهنگی نمی تواند تشریفات برگزاری مجلس یادبود را نداشته باشد. مجالس یادبود می توانند خلأها را با پاسخ های خلاقانه پر کنند و نیز می توانند باعث التیام گسیختگی ها، آن هم نه فقط از هم گسیختگی های درونی بزه دیدگان بلکه در التیام آن گسستی که میان بازماندگان و جوامع آنها بوجود آمده است کمک کنند. این مفهوم یک مفهوم تقویت کننده دوجانبه است از خاطرات مشترک، سوگواری مشترک، حسی که در خاطره ها ثبت می شود، این ملت آن خاطره را به بخشی از تجربه جهانی خود انتقال داده است و درد هولناک را سهیم می شود (۲۱). مجلس یادبود بایستی با منزلت و شکوه بالا و درعین حال مملو از ابراز افتخار و بزرگداشت به تمام کسانی که رنج دیده یا مرده اند و همچنین به منظور اهداف پیشگیرانه برگزار شود. مجالس یادبود امکان گفتگوی بین نسل ها از جمله فرزندان بازماندگان و فرزندان مرتکبین را فراهم می کند. به گفته الی ویسل، "آنها هیچ گورستانی ندارند، ما گورستان آنها هستیم" (۲۲). برگزاری یادبودها برای برقراری دوباره حس استمرار زندگی برای بازماندگان و دنیا بسیار مهم است. غالباً انده های مزمن، چسبیدن به گناه، شرم، و درد گذشته باید ناشی از این گورستان های حمل شده درونی هستند.

**احداث بناهای یادبود:** بزه دیدگان و بازماندگان می ترسند که سوگواری موفق ممکن است به رهایی و فراموش کردن متوفیان و زدودن آنها از خاطره آنها منجر شود. احداث بناهای یادبود کمک می کند که بازماندگان بتوانند با رفتن به آنجا و به یاد آوردن خاطره عزیزانشان، سوگواری ای به شیوه سنتی داشته باشند. احداث بناهای یادبود همچنین عملکردهای مهمی را درجهت مستندسازی و به میراث گذاشتن خاطره ها دارند طوری که دیگر بزه دیدگان و بازماندگان آسیب ها فراموش نشوند (۲۳).

**توانمندسازی:** اسناد مختلف بین المللی از جمله ماده ۳۹ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ و ماده ۱۴ کنوانسیون علیه شکنجه بر اهمیت تدابیر توانمندسازی و بازپروری تاکید دارند. این دسته از تدابیر که منطبق با واقعیت زیان دیده گان است به آنان اجازه می دهد تا در حد امکان به شرایط و وضعیت پیش از ارتکاب بازگردند. ارزیابی صندوق حمایت از بزه دیدگان نیز این است که تدابیر توانمندسازی در مقایسه با پرداخت غرامت و بازگشت به حالت اولیه، مناسب تر با وضعیت زیان دیده گان است (۲۴). براساس اصول بنیادین و راهبردی ۲۰۰۵ در خصوص حق بر جبران، توانمندسازی و بازپروری مستلزم پوشش خدمات پزشکی و روانشناختی و نیز دسترسی به خدمات حقوقی و اجتماعی است. دیوان بین المللی حقوق بشر در توسعه مفهوم حق بر بازپروری و توانمندسازی بسیار فعال است و رویه قضایی آن نمونه های فراوانی از این موضوع دارد. بیشتر این تدابیر مرتبط با آموزش، سلامت روان و جسم زیاندیدگان می باشد. از جمله این نمونه ها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۷- نظارت بر اینکه فرآیندهای مدنی دادرسی منطبق با اصول و استانداردهای بین المللی از جمله عدالت، انصاف و بی طرفی باشد.

۸- حفاظت و حمایت از کادر پزشکی، بهداشت، حقوقی و رسانه ها که در دفاع از حقوق زیاندیدگان اقدام می کرده اند.

دولت ها باید سازوکاری را تعریف کنند تا براساس آن همه مردم و به طور خاص زیاندیدگان نقض فاحش حقوق بین الملل حقوق بشر و نقض شدید حقوق بین الملل بشر دوستانه را از حقوق مقرر در اصول بنیادین و نیز خدمات حقوقی، پزشکی، روانپزشکی، اجتماعی و اداری مطلع کنند. علاوه بر این، زیاندیدگان و نمایندگان آنان باید بتوانند اطلاعات لازم در خصوص دلیل بزه دیدگی خود را بدست آورند.

### ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

### واژه نامه

1- Restitution	اعاده به وضع سابق
2- Compensation	غرامت
3- Rehabilitation	بازسازی
4- Satisfaction	کسب رضایت
5- Reparation	جبران خسارت
6- Civil responsibility	مسئولیت مدنی
7- Human right	حقوق بشر
8- Lusitania document	پرونده لوزیتانیا
9- Enforced disappearances	ناپدید شدن اجباری
10-Empowering	توانمند سازی
11-Spiritual damages	آسیب های معنوی
12-Consent	جلب رضایت
13-Apology	عذرخواهی
14-Tribute to the victims	ادای احترام به قربانیان
15-Criminal Justice	حقوق کیفری

### References

- Najafi Abrandabadi A. Comparative law and harmonization of legal institutions. 1<sup>st</sup> ed. Iran/Tehran: Allameh Tabatabaiee University Publication. 2019. (In Persian).
- Gynette TM. La réparation devant les juridictions judiciaires. [Ph.D. thesis]. France: Strasbourg University. 2017.
- Habibzadeh T, Nikjah J. The governing criteria for the compensation of moral damages in the relations between the host government and the foreign investor with an emphasis on the decisions of the IXID arbitration. Legal International Magazine, 2014; 51: 163-182. (In Persian).
- Mohammad Rezaei H, Mirabbasi SB, Kamali A. Criteria for prescribing coercion in case of gross and widespread violation of the ethical foundations of human rights.

غیرممکن است. در مرحله بعد پرداخت غرامت است. همچنین، در صورتیکه دسترسی به عامل ضرر ممکن نباشد، صندوقهای دولتی جبران خسارت باید توسعه داده شود و محدود به موارد خاص نباشد.

یافتن حقیقت، عذرخواهی عمومی، اعمال ضمانت اجراهای قضایی، اداری، مراسم نکوداشت و یادبود، تدابیر ناظر به توقف نقض مستمر حقوق زیان دیده، از جمله مهمترین جلوه های جبران در قالب جلب رضایتمندی است که در صورت اقتضا در هر مورد اعمال می گردد. به عنوان مثال در بحث خشونت های جنسی آنچه برای بزه دیده/ زیان دیده اهمیت دارد، شناسایی مرتکب، دستگیری، تعقیب، محکومیت و اجرای حبس مرتکب است. گاهی اوقات برای رفع موانع دسترسی به عدالت، به ویژه در مناطق فاقد حداقل لازم، رفع نیازهای فوری مانند تسهیل وسایل جابجایی نیروهای حفظ نظم، تاسیس واحدهای قضایی در فاصله های معقول و پیش بینی بودجه پرداخت خسارت ضروری می باشد. تدبیر جلب رضایت، باید در صورت اقتضاء مشتمل بر تدابیر ذیل باشد:

- اقدامات موثر برای متوقف کردن خشونت های در حال انجام
- اطلاع رسانی کامل و عمومی واقعیت با رعایت این نکته که این انتشار موجب نتایج زیانبار جدیدی برای زبان دیده نشود و امنیت او را به خطر نیاندازد، منافع او را تهدید نکند. همچنین منافع و امنیت نزدیکان، شهود و به طور کلی کسانی که به کمک زیان دیده شتافتند و یا مانع انجام اقدامات زیانبار علیه او گردیدند مورد تهدید قرار نگیرد.
- اعلامیه رسمی دادگستری برای اعاده اعتبار، شهرت زیان دیده و کسانی که با وی رابطه نزدیک دارند.
- عذرخواهی عمومی به ویژه قبول خطای انجام شده و پذیرش مسئولیت.
- اعمال ضمانت اجراهای قضایی و اداری علیه اشخاص مسئول ورود زیان.
- بزرگداشت برای زیان دیده، ب- تضمین عدم تکرار، تضمین عدم تکرار باید مشتمل بر یک یا چند مورد از تدابیر ذیل باشد. ۱- نظارت موثر بر نیروهای حفظ نظم از جانب جامعه مدنی.

- Ethics in Science and Technology 2022; 17 (3): 7-12. (In Persian). DOR: [20.1001.1.22517634.1401.17.3.4.8](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.3.4.8)
- Shelton D. Remedies in international human rights law. 3<sup>rd</sup> ed. United Kingdom/Oxford: Oxford University Press. 2015.
- Kazemi Jaliseh F, Amininia A, Hasanpour J. Online judgment in the context of international and national rules: ethical and legal challenges. Ethics in Science and Technology, 2022; 17 (2): 22-28. DOR: [20.1001.1.22517634.1401.17.2.4.6](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.2.4.6)
- Haasdijk, S. The lack of uniformity in the terminology of the international law of remedies. Leiden Journal of International Law, 1992; 5(2): 245-263. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0922156500002491>
- Martin EA, Law J. A dictionary of law. 6<sup>th</sup> ed. USA/ New York: Oxford University Press. 2006.
- Echeverria G. Reparation: A sourcebook for victims of torture and other violations of human rights and

- international humanitarian Law. London: Redress Trust. 2003. Available at: <https://redress.org/wp-content/uploads/2018/01/SourceBook.pdf>
10. Balta A, Bax M, Letschert R. Trial error: Conflicting visions on reparations within the ICC system. *International Criminal Justice Review*, 2019; 29(3): 221-248. DOI: <https://doi.org/10.1177/1057567718807542>
  11. Katouzian N. Civil liability, non-contractual requirements. 3<sup>rd</sup> ed. Iran/Tehran: Tehran University Press. 2003. (In Persian).
  12. Sharifi A. Civil liability resulting from human rights violations. 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Javedaneh Publication. 2014. (In Persian).
  13. Badini H. Comparative study of tort liability for breach of intangible rights to personality and human rights. *Law Quarterly*, 2012; 42(1): 89-107. doi: <https://doi.org/10.22059/jlq.2012.29818>
  14. Dixon PJ. The role of reparations in the transition from violence to peace. *Politics*, 2018; Published Online. DOI: <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190228637.013.541>
  15. Mobini K, Asgarkhani A, Mirabbasi SB. Ethical theory of utilitarianism and human rights development. *Ethics in Science and Technology*, 2023; 17 (4) :17-24. (In Persian). DOR: [20.1001.1.22517634.1401.17.4.3.9](https://doi.org/10.22517634.1401.17.4.3.9)
  16. United Nations. Reports of international arbitral awards. Lusitania Cases (United States and Germany). *Recueil de Sentences Arbitrales*, 2006; 7: 32-36. Available at: [https://legal.un.org/riaa/cases/vol\\_VII/1-391.pdf](https://legal.un.org/riaa/cases/vol_VII/1-391.pdf)
  17. International Court of Justice. Counter-memorial of the democratic republic of the congo - compensation due to Guinea. 2012. Available at: <https://www.icj-cij.org/node/104851>
  18. Wemmers JM. Victims in the criminal justice system. 1<sup>st</sup> ed. Netherland/ Amsterdam: Kugler Publications. 1996.
  19. Engdahl B, Jaranson J, Kastrup M, Danieli Y. Traumatic human rights violations: their psychological impact and treatment. 1<sup>st</sup> ed. USA/NY: Baywood Publishing Company. 1999.
  20. Wemmers JA, Canuto M. Victims' experiences with, expectations and perceptions of restorative justice: a critical review of the literature. *Research and Statistics Division: International Centre for Comparative Criminology*. 2002.
  21. Danieli Y. Massive Trauma and the Healing Role of Reparative Justice". *Journal of Traumatic Stress*, 2009; 22(5): 351-357. DOI: <http://dx.doi.org/10.1002/jts.20441>
  22. Wiesel E. Listen to the wind. In I. Abrahamson (ed). *Against Silence: The voice and vision of Elie Wiesel*. USA/New York: Holocaust Library. 1985.
  23. Leitner I. Saving the fragments. 1<sup>st</sup> ed. USA/ New York: New American Library. 1985.
  24. Mann JM, Gostin L, Gruskin S, Brennan T. Health and human rights. *Pubmed*, 1994; 1(1): 6-23. DOI: <http://dx.doi.org/10.2307/4065260>